

دیدگاه اتان کلبرگ درباره امام باقر(ع) در دائرة المعارف لایدن

شیعه پژوهی در غرب

آشنایی با مطالعات خاورشناسان درباره شیعه و امامان آنها، به دنبال آن بررسی و نقد این مطالعات با توجه به نقش آفرینی و مرجعیت آثار خاورشناسان در مراکز علمی دنیا، از ضرورت‌های دانش نوپای شیعه پژوهی و وظیفه هر پژوهشگر شیعی است. بررسی کامل این مسئله، آشنایی بیشتر ما با سیر مطالعات خاورشناسان درباره شیعه، به ویژه امامان شیعه را می‌طلبد. تعیین زمان دقیق آغاز شیعه پژوهی خاورشناسان، مستلزم بررسی تبیین دقیق معنا و اقسام شیعه، تبیین مفهوم خاورشناسان، بررسی عوامل مؤثر در سیر مطالعات و عوامل چندی است که این مسئله را دشوار می‌سازد.

گزارش‌های تاریخی حکایت از ارتباط اولیه بین دولت‌های شیعی و مستشرقان، قبل از جنگ‌های صلیبی دارد، اما آشنایی رسمی خاورشناسان و غربیان با اسلام و تشیع به زمان جنگ‌های صلیبی باز می‌گردد. [۱] اولین مواجهه مسیحیان با شیعیان در منطقه شمال آفریقا با شیعیان فاطمی مصر بود. اگرچه بعید نیست که اندک شیعیان امامی ساکن در فلسطین و سوریه نیز در این جنگ‌ها با غربیان مواجه شده و اطلاعات اولیه‌ای حاصل شده باشد. این اطلاعات به دلیل تعصبات حاکم بر کلیسا و جهان مسیحیت، غرض‌ورزی و تحریف‌ها، واقعی و منصفانه نیست. اما همین اطلاعات اندک همراه با تعصب نیز می‌تواند گویای واقعیاتی از نوع نگاه حاکم بر مسیحیان به شیعه و امامان شیعه در این دوره به شمار آید.

این مطالعات بیشتر از سوی کشیش‌های مسیحی مانند «ویلیام» اسقف اعظم صور، ژاک درویتی، اسقف منطقه اکر(که اکنون آکونا نامیده می‌شود و در شمال فلسطین اشغالی واقع است)، ریکولدو دامونت کروس، نویسنده صلیبی پیرو مذهب سن دومینیک، ریکولدو دامونت کروس، نویسنده صلیبی پیرو مذهب سن دومینیک، و دیگران صورت گرفته باشد. [۲]

به اعتقاد اتان کلبرگ، قرن‌ها پس از شکست نهائی صلیبی‌ها، تشیع دوازده امامی به شدت ناشناخته ماند. [۳] و یا استاد مجتبی مینویی معتقد است، اروپائیان - به‌خصوص در قرون وسطی - از مذهب شیعه چیزی نمی‌دانستند، زیرا از زمان انقراض فاطمیان مصر تا ظهور صفویه هیچ دولتی که مذهب شیعه را رسماً قبول کرده و ترویج نموده باشد، وجود نداشته تا مورد توجه اروپائیان قرارگیرد. حسن و حسین(ع) برای ایشان مجهول بود و صلیبی‌ها با فرقه باطنیه اسماعیلیه از شیعیان مخالف اثنی عشریه تماس حاصل کردند. [۴] آشنایی غربیان با شیعه در دوره‌های بعد به‌ویژه عصر صفویه و قاجار با حضور گسترده غربیان به صورت شخصیت‌های سیاسی، بازرگان و جهانگرد در ایران گسترش یافت. وجه غالب مطالعات این دوره، مطالعات سفرنامه‌ای است. مطالعات علمی و روشمند خاورشناسان درباره شیعه، پیشینه چندان‌ی نداشته حداکثر به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برمی‌گردد.

مطالعات دانشگاهی در زمینه اسلام‌شناسی در اروپا با تأسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه آکسفورد (انگلیس) و لیدن (هلند) در نیمه اول قرن هفدهم آغاز گردید. این مطالعات به صورت پراکنده در قرن بعد نیز ادامه یافت، ولی هنگامی به اوج خود رسید که منافع کشورهای استعماری غرب در خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی شناخت هر چه دقیق‌تر این جوامع را ایجاب نمود. [۵] از این رو مطالعات روشمند و مستمری در زمینه اسلام و مذاهب اسلامی از قرن بیستم آغاز شد و رویکرد خاورشناسان که تا قبل از این بیشتر غیرعلمی (تبشیری و یا استعماری و سیاسی) بود به رویکرد علمی و بهره‌مندی از منابع شیعی برای دریافت حقیقت، تغییر یافت. این مرحله با کارهای ایگناز گلدزیهر یهودی (۱۹۲۱-۱۸۵۰م) اهل مجارستان، آغاز شده و با تحقیقات بعدی لوئی ماسینیون و هانری کربن در سوربن فرانسه و ردولف اشتروتمان و دونالدسن در آلمان ادامه یافت و بعد از انقلاب اسلامی ایران توجه به شیعه دوازده امامی رشد یافت.

توجه پژوهشگران غربی به امامت پژوهی

امامت پژوهی به عنوان شاخه‌ای از شیعه پژوهی مورد توجه پژوهشگران غربی بوده و آثار متعددی از خاورشناسان در این باره می‌توان یافت. بررسی مسئله امامت به عنوان اصل اساسی در شیعه که عامل اصلی تفاوت با دیگر فرقه‌های اسلامی نیز به شمار می‌آید، در آثار غربیان از اهمیت برخوردار بوده است. از این رو بررسی زندگی و نقش امامان در نگاه غربیان را می‌توان به گونه‌های مختلف یافت.

۱) در کتاب‌های مربوط به تاریخ تشیع و عقاید آنان مانند «مذهب شیعه یا تاریخ اسلام در ایران و عراق» (لندن ۱۹۳۳)، اثر دونالدسن که به شهادت دکتر سیدحسین نصر، هنوز در مطالعات شیعه امامیه مسند و مرجع است. «مقدمه‌ای بر اسلام شیعی» از موجان مومن در سال ۱۹۸۵ و «مقدمه‌ای بر فرقه امامیه» از وحید اختر و «تشیع در مسیر تاریخ» سیدحسین محمدجعفری که در ضمن بررسی تاریخ تشیع به زندگانی امامان نیز می‌پردازند.

۲) برخی شیعه پژوهان به تحقیق مستقل درباره امامان شیعه پرداخته و کتاب یا مقالاتی درباره سیره، زندگانی و اندیشه امامان تألیف نموده‌اند، محمدعلی امیرمعزی در سال ۲۰۰۲، «نکاتی درباره ولایت امامان» را مطرح نمود و به ابعاد ولایت و نقش آن در جامعه شیعی پرداخت. نخستین اندیشه‌های شیعی؛ تعلیم امام محمد باقر(ع) توسط ارزینا لالانی نگاشته شد که برنده جایزه کتاب سال ولایت جمهوری اسلامی ایران نیز شد.

۳) یکی از محورهای مهم مطالعات شیعی خاورشناسان، مداخل مربوط به امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلامی لیدن است که از سوی شیعه پژوهان مختلفی به نگارش درآمده است. لورا ایچ. والیری نویسنده مطالب درباره سه امام اول شیعیان، اتان کلبرگ از شیعه پژوهان معروف مقالات درباره امام سجاد، امام باقر و امام کاظم(ع)، مارشال هاجسن مقاله امام صادق(ع)، برنارد لوئیس خاورشناس یهودی، مقاله امام رضا و امام هادی(ع)، ژوزف الیاش مقاله درباره امام حسن عسکری(ع) و یوهان ترهار مقاله مربوط به امام عصر(عج) را تدوین نموده‌اند. این نوشتار درصدد تبیین دیدگاه شیعه پژوه مشهور اتان کلبرگ، درباره امام باقر(ع) براساس مقاله «امام باقر(ع)» [۶] در دائرةالمعارف لیدن است.

دیدگاه‌های اتان کلبرگ، درباره امام باقر(ع) در مقاله دائرةالمعارف لیدن

پروفسور اتان کلبرگ، متولد ۱۹۴۳م است، تحصیلات خود را در دانشگاه آکسفورد گذراند. عنوان پایان‌نامه دکتری او در دانشگاه آکسفورد «نگرش تشیع امامی به صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله» [۷] بود. زمینه اصلی تحقیقاتی کلبرگ منابع و نظریات و تاریخ شیعه و به ویژه تشیع امامی است. وی استاد زبان و ادبیات عرب موسسه مطالعات آسیایی - آفریقایی دانشکده انسان‌شناسی دانشگاه عبری اورشلیم (بیت المقدس) است. مهم‌ترین آثار او نیز عبارت است از ۱) کتابخانه ابن طاووس، احوال و آثار او، که مشهورترین پژوهش شیعی او به شمار می‌آید، ۲) عقیده و فقه در تشیع امامی ۳) و عناوین زیر در دائرةالمعارف اسلام: امام سجاد، امام باقر و امام کاظم(ع)، مسلم بن عقیل، رجعت، سفیر، شهید، شهید ثانی، سلیمان بن صد خزاعی، امین الاسلام طبرسی. [۸]

پروفسور اتان کلبرگ، در مقاله امام باقر علیه السلام در دائرةالمعارف لیدن، در ابتدا به لقب باقر امام اشاره داشته و دو معنی را برای آن مطرح می‌کند، «کسی که علم را می‌شکافد» (یعنی آن را روشن می‌سازد)؛ و «کسی که علم فراوان دارد». به نقل از ابن بابویه به حدیثی از پیامبر اشاره می‌کند که فرموده‌اند: «در تورات به باقر به همین لقب اشاره شده است» [۹]. کلبرگ تاریخ تولد امام را در سوم صفر یا اول رجب ۵۷ یا ۵۶ قمری (۶- ۶۷۵ میلادی) بیان می‌کند. شاید با ذکر روایتی که امام می‌توانست مصایب خانواده‌اش در محرم سال ۶۱ هجری [نهضت کربلا] را به یاد آورد، سال ۵۶ را

ترجیح می‌دهد. هم‌چنین با اشاره به اینکه مادر آن حضرت فاطمه دختر امام حسن علیه السلام بود، او هم نوه امام حسن علیه السلام و هم نوه امام حسین علیه السلام به شمار می‌آمد. ایشان دیدار امام باقر علیه السلام با جابر بن عبدالله انصاری در سنین کودکی و ابلاغ سلام پیامبر به او را بیان داشته و این مسئله را گواهی بر مشروعیت امامت او از سوی شیعیان امامیه معرفی می‌کند. [۱۰]

از نکات قابل توجه در این مقاله، دوران امامت امام و دیدگاه کلبرگ بسان سایر خاورشناسان به مسئله امامت است که به دلیل نوع نگاه خاص خود، از درک برخی ظرائف و حقیقت آن عاجزند از این رو از نظر شیعه خالی از اشکال نیست. ایشان امامت امام باقر علیه السلام پس از وفات امام سجاده علیه السلام را در سال ۹۴ ق/ ۷۱۲ یا ۹۵ ق/ ۷۱۳ دانسته و معتقد است ایشان نیز مانند پدر بزرگوارشان سیاست سکوت [۱۱] را ادامه داد و از حمایت قیام‌هایی که علیه امویان صورت می‌گرفت، خودداری ورزید. ایشان به جریان مباحثه امام با نافع از موالی عمر بن خطاب اشاره داشت که به دستور هشام صورت گرفته بود و آن حضرت بر نافع غلبه یافت از این رو معتقد است این موفقیت او را نزد خلیفه محبوب کرده باشد. [۱۲] در ادامه بیان می‌دارد که امام چندین بار از سوی هشام به شام فراخوانده شد و معتقد است حداقل یکبار امام را زندانی کرده است و پس از مدتی به مدینه بازگرداند و به محافظان دستور داد که در طول راه به امام آب و غذا ندهند.

کلبرگ ارتباط میان امام و عمر بن عبدالعزیز را خوب ارزیابی نموده معتقد است او برخلاف هشام، درباره امام نظر موافقی داشت و پس از ملاقات با او در مدینه، واحه فدک را به علویان بازگرداند. یکی از نکاتی که به نظر کلبرگ از سوی محافل ضدعلوی رواج داشت مهدی دانستن عمر بن عبدالعزیز از سوی امام باقر علیه السلام است که به هیچ عنوان از سوی شیعه پذیرفتنی نیست. [۱۳] هم‌چنین به پیشگویی امام بر خلیفه شدن عمر بن عبدالعزیز اشاره و با استناد به یکی از متون امامیه، حدیث امام درباره جایگاه عمر بن عبدالعزیز را بیان می‌کند که می‌فرماید؛ هنگام مرگش مورد احترام مردم خواهد بود و پس از مرگ عمر، اهل زمین بر او خواهند گریست (زیرا او حاکمی شایسته بود) در حالی که اهل آسمان او را لعن خواهند کرد (چرا که وی به رغم هم‌اینها یکی از امویان غاصب بود). [۱۴]

طبق روایتی به نقل از هارون الرشید، امام باقر علیه السلام پیشنهاد تصمیم به ضرب سکه طلای اسلامی را گرفت تا از این طریق دینار مسلمین را جایگزین «دیناروس» بیزانسی کند. ایشان در ادامه با نام بردن برخی از شاگردان امام، بیان می‌دارد که شهرت علمی امام باقر علیه السلام به زودی از حلقه حامیان شیعی او فراتر رفت تا آن‌جا که به تعبیر عبدالله بن عطاء مکی، همه دانشمندان در محضر امام باقر علیه السلام احساس حقارت می‌کردند. وی در ادامه آورده است: امام می‌توانست با حیوانات سخن بگوید؛ نابینایان را شفا دهد؛ و از وقایع آینده خبر دهد (مانند کشته شدن برادرش زید در جنگ، شکست امویان و به قدرت رسیدن منصور عباسی).

تدریس نظام‌مند و عمومی فقه شیعه؛ مهمترین نقش امام باقر (ع) از نظر کلبرگ / مهمترین آموزه‌های شیعه اثنی‌عشر از نگاه او مهمترین نقشی که کلبرگ برای امام قائل است تدریس نظام‌مند و عمومی فقه شیعه از سوی امام باقر علیه السلام بود. این نظر در ابعادی وسیع‌تر توسط شیعه‌پژوه دیگری به نام ارزینا لالانی در کتاب «نخستین اندیشه‌های شیعی: تعالیم امام محمد باقر علیه السلام» به تفصیل بررسی و تبیین شده است. کلبرگ در این زمینه می‌نویسد؛ احتمالاً امام باقر (ع) اولین کسی بود که آن‌چه را به آموزه‌های بنیادی شیعه اثنی‌عشری تبدیل شد، تدوین کرد. مهمترین این آموزه‌ها از نگاه کلبرگ عبارتند از:

۱) انتقال امامت از یک امام به امام بعدی به فرمان الهی که در نص صریح از جانب خداوند وحی شده و توسط پیامبر و سپس توسط هر امام به جانشین خود آشکار می شود.

۲) تمام امامان از اولاد فاطمه زهرا(س) هستند.

۳) امامان دانش خاصی دارند که دیگران از آن بی بهره اند

۴) امامان ولایت مطلقه معنوی دارند و باید از ولایت مطلقه سیاسی نیز برخوردار باشند.

۵) هر بیان اعتقادی و فقهی از سوی امام، سخن پیامبر است که از طریق اجداد امام به او رسیده است.

۶) امام باقر علیه السلام آموزه جدایی(برائت) از دشمنان ائمه را مطرح و از آن حمایت کرده است.

۷) امام تحت شرائط خاصی، حفظ نفس از طریق تقیه را جایز دانست و در مواقع خطر برای جان انسان یا عضو بدن، تقیه را واجب می داند.[۱۵]

از نظر کلبرگ امام با استدلال فردی(اجتهاد) مخالف بود و از نگاه امام شاگرد ایده‌ال کسی است که بدون چون و چرا حکم امام را دریافت و منتقل سازد و از آن اطاعت نماید و زواره را یکی از معروفترین این افراد می‌داند که در برخی از مسائل کلامی، نظرات مستقلی داشت.[۱۶] وی در برابر امام باقر استدلال کرد که حدّوسطی بین مؤمن و کافر وجود ندارد.[۱۷] ایشان هم‌چنین محمد بن طیار یکی دیگر از شاگردان امام می‌داند که در بحث با مخالفان به جای استفاده از کلمات امام، استدلال‌های خویش را به کار می‌برد، به همین سبب امام باقر علیه السلام او را تویب‌خ کرد.[۱۸] ایشان به مباحثه امام با چندین تن از مخالفان مسلمان درباره مسائل فقهی و کلامی اشاره داشته و هم‌چنین درباره ملاقات امام با ابوحنیفه می‌نویسد براساس روایات امامیه تصویری نسبتاً منفی از ابوحنیفه ارائه شد و در مقابل منابع حنفی، ابوحنیفه را یکی از شاگردان امام معرفی می‌کنند که امام او را بسیار ستوده و پیش‌بینی کرده است که وی احیاگر سنت پیامبر خواهد بود.[۱۹]

غلات در دوره امام باقر(ع) در پژوهش کلبرگ

مسئله غلات در دوره امام باقر علیه السلام و ادعای ارتباط آنان با امام نیز در پژوهش کلبرگ دور نمانده در این زمینه به ادعاهای ابومنصور عجل‌ی کوفی و مغیره بن سعید عجل‌ی می‌پردازد که هم برای امام باقر علیه السلام و هم برای خود در مقام وصی امام، ادعای نبوت کرد. وی به روایت هفتاد هزار حدیث محرمانه جابر بن یزید جعفی از امام نیز پرداخته و او را به همراه مغیره بن سعید از چهره های اصلی محافل غلات کوفی بر می‌شمرد.[۲۰] کلبرگ در تلاش است روایات فراوان امام بر ضد غلات را عکس العمل تلاش افراطیون شیعه(غلات) در به خود اختصاص دادن امام باقر علیه السلام به غلات معرفی کند.

وی در ادامه به رابطه امام با برادرش زید می‌پردازد که در منابع امامیه به صورت رابطه‌ای صمیمانه توصیف شده است. و نیز به این نکته اشاره دارد که ابوالجارود زیاد بن منذر که از شاگردان امام باقر علیه السلام بود برخی از آموزه های خویش را در میان نخستین گروه از هواداران زید(جارودیه) مطرح ساخت و هم‌چنین تفسیرهای آیات قرآن را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که بخشی از آن‌ها در کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی ثبت شده است.

در پایان کلبرگ به دیدگاه نویسندگان سنی درباره امام باقر علیه السلام می‌پردازد که عموماً امام را یک راوی مورد اطمینان(ثقه) می‌دانند گرچه به دلیل نقل از صحابی که مستقیماً آن‌ها را ندیده(نقل روایات مرسل) مورد خدشه واقع شده

است. درباره تاریخ وفات امام باقر علیه السلام ایشان بدون انتخاب نظری به اختلاف نظرهای موجود پرداخته و سه تاریخ را بررسی می‌کند؛

(۱) روایاتی که رحلت امام را به زید بن حسن (م ۱۲۰ق) از خویشاوندان آن حضرت نسبت می‌دهد که به جهت اختلافی که با آن حضرت در میراث پیامبر داشت، پس از دیدار از خلیفه هشام (دوره حکومتی از ۱۲۵-۱۰۵ق) در بازگشت مقداری سم بر روی زمین مرکب امام نهاد و بر اثر این سم امام وفات یافت.

(۲) روایت دیگر عامل مسمومیت و شهادت امام را خود هشام ذکر می‌کند

(۳) دسته دیگری از روایات شهادت امام را به بعد از دوره هشام، یعنی دوران خلافت ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۵-۱۲۶ق/ ۷۴۳م) یا دوره کوتاه ابراهیم بن ولید اموی (۱۲۷-۱۲۶ق/ ۷۴۴م) و به دستور او می‌داند. [۲۱]

ایشان در پایان توضیحی احتمالی برای این تواریخ بعدی درباره علت این اختلاف زیاد در سال وفات امام، بیان می‌دارد که در اصل این تاریخ‌ها به هم نام امام یعنی «محمد بن علی بن عبدالله بن عباس» مربوط بوده و بعد به اشتباه درباره امام باقر علیه السلام به کار رفته است. این نوع ترکیب اطلاعات هم‌چنین می‌تواند توضیحی برای روایتی باشد که مطابق آن امام باقر علیه السلام در حمیمه وفات یافت. این محل رابطه نزدیکی با انقلاب بنی عباس داشت، احتمالاً محمد بن علی در همین مکان درگذشت. آن حضرت در قبرستان بقیع الغرقد در مدینه به خاک سپرده شد و پس از او فرزندش [امام] جعفر بن محمد (ع) به امامت رسید. البته گروهی از شیعیان به نام «باقریه» وفات امام را نپذیرفتند و منتظر بازگشت او به عنوان مهدی بودند. [۲۲]

در نگاهی کلی به مقاله و داده‌های آن می‌توان این مقاله را با وجود نواقصی که در آن می‌باشد در مقایسه با برخی دیگر از مقالات امامان شیعه در دائره المعارف حاوی نکات مثبتی در بررسی زندگانی امام باقر (ع) بوده و بر هر پژوهشگر شیعی روشن است که هیچ‌گاه از یک خاورشناس انتظار نداریم که مثل شیعیان، ائمه را توصیف و تحلیل نماید. اما این انتظار می‌رود که با مراجعه به منابع شیعی از مسیر انصاف بیرون نروند و مطابق ادعای خودشان به دور از پیش‌داوری و غرض‌ورزی آنچه در پژوهش‌های خود در منابع و مستندات یافتند در معرض دید پژوهشگران قرار دهند که تا حدودی این مسئله در این مقاله ملاحظه می‌شود. ایشان با بررسی نسبتاً جامع از زندگانی امام باقر (ع) به مهمترین رویدادهای زندگی امام پرداخت. ایشان معتقد است، عمل به سیاست تقیه، دوری از مبارزات و اقدامات عملی بر علیه حکومت و اتخاذ سیاست علمی و فرهنگی فرصت را برای امام فراهم نمود تا به تبیین مبانی اعتقادی و نظام‌مند نمودن تعالیم مذهب شیعه بپردازد.

پی‌نوشت‌ها:

[۱]. عبداللّهی، حسین، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۱ ص ۶۴ و ۶۷.

[۲]. اتان کلبرگ، «مطالعات غرب در خصوص اسلام تشیع»، منتشره در مجموعه مقالات همایش تشیع، اسلام و غرب

[۳]. همان

[۴]. مجتبی مینوی، «اسلام از دریچه چشم غربیان»، مندرج در مجموعه مقالات تاریخ فرهنگ

[۵]. محمود تقی زاده داوری، تصویر شیعه در دائره المعارف آمریکانا، مقدمه کتاب ص ۱۲

[۶]. این مقاله توسط پژوهشگر ارجمند آقای حسن طارمی تقدو بررسی شد که در کتاب، «تصویر امامان شیعه در دائره المعارف اسلام» منتشر شد.

[۷]. thesis, The Attitude of the Imami-shiis to the Companions of the prophet. ۱۹۷۲

[۸]. همان، ص ۲۸۴

[۹]. ابن بابویه، «علل الشرایع»، نجف اشرف، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۹۶م ص ۲۳۳

[۱۰]. البته باید توجه داشت این دیدار به عنوان مستندی بر مشروعیت امامت امام از سوی شیعیان نیست، بلکه یک فضیلت و منقبت امام ذکر می شود.

[۱۱]. تعبیر به سیاست سکوت، خاص خاورشناسان است، در منابع شیعی این تعبیر پسندیده نیست، به گونه ای تعریض بر امام است باید همان رعایت اصل تقیه و اتخاذ سیاست ترجیح اقدامات علمی و فرهنگی بر اقدامات سیاسی (به دلیل مساعد نبودن شرائط) و تلاش برای تدوین مبانی معرفتی و فکری شیعه، تعبیر نمود.

[۱۲]. باید گفت از آن جاکه هدف خلیفه، غلبه نافع بر امام بود (لعلک تخجله) که حاصل نشد و طبیعی است که نوعی شکست برای خلیفه و نافع به شمار آید.

[۱۳]. الطبقات الکبری/ ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج ۶ ص ۲۳
مسلم بن ابراهیم از ابو بکر بن فضل بن مؤتمر عتکی، از ابو یغفور، از گفته یکی از آزادکردگان و وابستگان هند دختر اسماء ما را خبر داد که می گفته است به محمد بن علی گفتم: مردم می پندارند که مهدی میان شماست. گفت: آری همین گونه است ولی از خاندان عبد شمس است. منظورش عمر بن عبد العزیز بود.

[۱۴]. این اشاره مؤلف از سوی شیعیان پذیرفتنی است و در روایات دیگر داریم که امام فرمودند: «او در جایی می نشیند که حقش نیست». محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶ ص ۲۵۱ به نقل از: قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح
[۱۵]. علاوه بر موارد مذکور باید، به نقش امام در مبارزه با انحرافات فکری و عقیدتی دوره، تربیت شاگردان و دانشمندانی که بعدها راوی و ناقل علوم اهل بیت علیهم السلام شدند، نیز اشاره داشت.

[۱۶]. توضیح این نکته لازم است که این تعبیر مرلف درباره زراره که از بزرگترین شاگردان آن حضرت و امام صادق علیه السلام بوده و حتی امام او را به برپایی حلقه درس و فتوای دادن تشویق می کردند، پذیرفتنی نیست. جریان نقل شده از سوی مؤلف که خود زراره راوی آن می باشد مربوط به دوران جوانی زراره و آغاز تلاش های علمی او برای کسب معرفت بیشتر بود. براساس گزاره های تاریخی این گونه تخریب شاگردانی مثل زراره و همچنین محمد بن طیار که در جدل و بحث قوی بود، صحیح نیست.

[۱۷]. کلینی، الکافی، ج ۲ ص ۴۰۲

[۱۸]. برقی، محاسن، تهران ۱۳۷۰ق/ ۱۹۵۰م، ج ۱ ص ۲۱۳

[۱۹]. موفق ابن احمد، مناقب ابی حنیفه، بیروت: ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م، ص ۳۸

[۲۰]. البته باید درباره جابرتأمل بیشتر داشت، در منابع شیعه جایگاه شیعه با مغیره و ابومنصور قابل مقایسه نیست. محققان شیعه او را ثقه دانسته و همراهی او با غالیان را نفی نمودند.

[۲۱]. رساله فی الاعتقادات، تهران، ۱۳۱۷ ص ۱۰۵

[۲۲]. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۳۸؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱ ص ۱۶۵